

اژدهاگشی با آهک!

تیشه معدن کاران در غفلت میراث فرهنگی این باریکراژدهای خفته بردامن «اژدرکوه» رانشانه گرفت

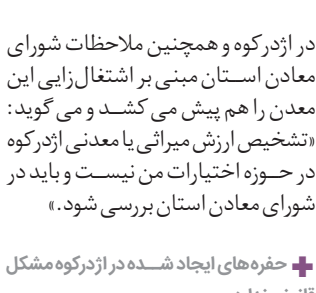


عکس: احمدحسینی/شهرآرا



شیماسیدی
sh.seyedi@shahrarnews.ir

روبه‌رویمان اژدرکوه است، کوهی افسانه‌ای که می‌گویند اژدهایی روی آن خفته است، همان اژدهایی که مانع رسیدن آب به کشف‌رود می‌شد و سام، پدربزرگ رستم، پهلوان منشانه به میدان آمد، اژدها را از میان برداشت و جسدش را در همان حوالی رها کرد و آب را دوباره به کشف‌رود و آرامش را به زمین برگرداند. فردوسی بزرگ هم درباره‌اش نوشت: «کشف‌رود پر خون و زرداب شد / زمین جای آرامش و خواب شد» اما انگار حالا خبری از آن آرامش نیست و پهلوانی هم به میدان نیامده تا جلو یک جاعه را بگیرد. کامیون‌ها یکی پس از دیگری از دامن کوه بالا می‌روند. معدن کاران از اژدهای خفته بر دامن کوه هم‌واهمه‌ای ندارند. به جانش افتاده‌اند و درست در محل فرم‌زنگ، که در افسانه تعبیر به خون اژدها شده، تیشه‌هاشان را فرو آوردند و در چندین نقطه زخم بر پیکرش زدند. آن هم تنها به بهای برداشت اندکی آهک، آهکی که به‌وفور در خراسان و ایران موجود است.



مجاز می‌گیرد، رسماً آن منطقه شخصی می‌شود و همین امر باعث شده است برای صعود کوهنوردان هم مشکلاتی ایجاد شود و عملاً حضور آنان کم‌رنگ‌شود. «او با دستاورد قلابی را بر ایماج ترسیم می‌کند و می‌گوید: «نگاه کنید، در همین چند متر ۳ حفره ایجاد کرده‌اند. به جز این، حفره‌های بیشتری هم هست. معدن سیمان در همین نزدیکی ۵۰ سال است کار می‌کند اما یک‌هزارم این معدن دوساله آسیب‌نزنه است. آن‌ها تنها روی یک کوه کار می‌کنند اما این معدن هر چند متر یک حفره در دل کوه ایجاد کرده و همه‌جا را زخم زده و دائم از این حفره به آن حفره پریده است.»

او با طرح این پرسش که «یعنی یک نفر پیدا نمی‌شود بگوید این کوه چقدر ارزشمند است؟» می‌گوید: «واقعاً آیا باید صورت یک کوه تاریخی را که می‌تواند سالانه چندین هزار گردشگر به منطقه بیاورد و درآمدی صدچندان داشته باشد این‌طور آسیب‌بزنند؟ آن هم در حالی که آهک ماده نایابی در خراسان نیست و تنها کافی بود یک کیلومتر آن طرف‌تر می‌رفتند و از جای دیگری برداشت می‌کردند تا به نظر این کوه تاریخی ارزشمند آسیب‌وارد نشود.»

البته صاحبکار در این ۲ سال بیکار ننشسته و با همراهی علیزاده، رئیس شورای روستای فرامند، نامه‌ای در اعتراض به نابودی کوه تاریخی اژدرکوه خطاب به چند نهاد فرستاده، اما کسی صدایشان را نشنیده است. رسانه‌ای کردن موضوع تنها کاری بوده که برای نجات اژدرکوه به ذهن این هم‌ولایتی فردوسی رسیده است.

هیچ گزارشی مبنی بر ارزشمند بودن کشف‌رود به دستمان نرسیده است از سال ۹۲ که ماده ۲۴ قانون معدن مبنی بر لزوم دریافت استعلام از حدود ۸ نهاد از جمله میراث فرهنگی برای صدور مجوز بهره‌برداری معدن تصویب شده، اداره صنعت، معدن و تجارت استان مجوزی بدون رأی مثبت این نهادها صادر نکرده است. اما داستان اژدرکوه به پیش از تصویب این قانون برمی‌گردد. به گفته محمد توکلی، معاون امور معدن اداره صمت، اژدرکوه معدنی قدیمی است که مجوز بهره‌برداری آن حدود سال ۹۰ که هنوز قانون ماده ۲۴ تصویب نشده بود صادر شده است. بنابراین در آن زمان نیازی به دریافت استعلام از اداره میراث فرهنگی نبوده است. او توضیح می‌دهد: «اژدرکوه در این مدت

به داد اژدرکوه برسید

هنوز پرونده معدن دیزدر باز است و پاسخ درخور توجهی از سوی مسئولان برای نابودی سنگ‌نگاره‌های چندین هزارساله ارائه نشده است. کسی هم به پای میز محاکمه کشانده نشده است. این بار تیشه معدن کاران به ریشه تاریخ اسطوره‌ای‌مان می‌خورد. اژدرکوه یکی از کوه‌های ارزشمند تاریخ اسطوره‌ای ایران است که در شاهنامه فردوسی و گرشاسب‌نامه از آن نام برده شده است. نمای این کوه که در نزدیکی روستای تاریخی فرامند در محاصره معدن سیمان و آهک قرار گرفته، امروز برده شده از حفره‌هایی که تنها برای برداشت آهک و گچ خاکی، در دل آن ایجاد شده است. خبر این فاجعه را محمد صاحبکار، یکی از اهالی زادگاه فردوسی، می‌دهد. می‌گوید: «به داد اژدرکوه برسید! حدود ۲ سال می‌شود که معدن کاران شروع به برداشت آهک از این کوه کرده‌اند و به همین بهانه یکی از زیباترین کوه‌های خراسان را که ارزش تاریخی نیز دارد در آستانه نابودی قرار داده‌اند.»

با سرمایه‌هایمان راه همین ارزانی قربانی می‌کنیم! محمد صاحبکار دانش‌آموخته تاریخ و اهل



توقف کار معدن قبل از پایان اعتبار هزینه دارد

معاون اداره معدن استان در پاسخ به این سؤال که اگر میراث فرهنگی از همین سیمان که تنها فعالیتش را به بهره‌برداری از یک حفره در طول ۵۰ سال محدود کرده است، بحث دیگری است که توکلی در پاسخ به آن می‌گوید: «محدوده‌ای شامل ۲/۸۳ کیلومتر مربع به بهره‌بردار معدن اژدرکوه واگذار شده است و بهره‌بردار در این محدوده مجاز به استخراج است. علاوه بر این، بررسی‌های فنی استخراج بر عهده نظام مهندسی است و طبق آخرین گزارش معدن اژدرکوه، هیچ مشکل فنی‌ای در مراحل استخراج از این معدن وجود ندارد.»

هیچ گزارشی مبنی بر ارزشمند بودن کشف‌رود به دستمان نرسیده است

معدن به پرداخت خسارت‌های وارده به سرمایه‌گذاری انجام شده به قیمت روز اقدام کنند. بنابراین به گفته محمد توکلی، از آنجایی که مجوز معدن اژدرکوه کاملاً قانونی صادر شده و بر همین اساس حق برای سرمایه‌گذار این معدن ایجاد شده است، اگر دولت یا میراث فرهنگی بگوید مثلاً اژدرکوه قرار است ثبت جهانی شود یا ارزش تاریخی دارد و باید فعالیتش متوقف شود، طبق ماده ۲۳ باید حق و حقوق بهره‌بردار را به صورت کامل پرداخت کند. بر اساس گفته‌های این مقام مسئول، جلوگیری از فعالیت معدن اژدرکوه غیرممکن نیست اما با توجه به سابقه اداره میراث فرهنگی، اجرای آن بعید به نظر می‌رسد. توکلی البته بحث وجود میلیون‌ها تن ذخیره آهک

اژدها خواب است یا میراث فرهنگی؟

با همه این بحث‌ها مهم‌ترین سؤال این است که آیا اساساً اژدرکوه از نظر میراث فرهنگی ارزش تاریخی دارد. اگر دارد، چرا تاکنون اقدامی برای ثبت ملی آن صورت نگرفته یا دست‌کم عرصه و حریم آن به عنوان مکان تاریخی ارزشمند به اطلاع سازمان صنعت و معدن نرسیده است؟ این سؤال ساده‌ای است که با وجود ۴ روز تماس پیاپی با معاون میراث فرهنگی، پاسخی برای آن نیافتیم. بنابراین باید گفت سؤال اساسی این است که اژدهای روی اژدرکوه خفته است یا اداره میراث فرهنگی؟

یادداشت



مهذی سیدی

اژدرکوه، یادمانی از تلفیق جغرافیا، اسطوره و حماسه!

در فاصله چند کیلومتری شمال شهر مشهد، در جوار روستای «برزش‌آباد» ایضا فرامند (یا چنان که مشهدی‌ها تلفظ می‌کنند: پرمی) کوه منفرد سیاه‌رنگی به طول تقریبی دوسه کیلومتر و عرض تقریبی یک کیلومتر وجود دارد که از دیرباز «اژدرکوه» یعنی «اژدها کوه» خوانده شده است.

سبب این نام‌گذاری آن است که در دامنه جنوبی این کوه سیاه‌رنگ رگه سرخ‌رنگی به شکل اژدهایی هولناک (باتنه، دم و دهانی باز!) به طول تقریبی یک کیلومتر دیده می‌شود که اهالی را واداشته است آن لکه سرخ‌رنگ را جسد اژدهایی بپندارند و پس از آن به سراغ داستانی برای توجیهش بروند!

بدین سبب، اسطوره‌سازان باستانی ایران چنین گفته‌اند که آن اژدها روزگاری با بند آوردن آب کشف‌رود (رودی که زمانی شاه‌رگ حیاتی ولایت توس بوده، و در فاصله اندکی از کوه مزبور جاری است) خواب و آرام را بر مردم توس حرام می‌کرده، تا اینکه پهلوانی ایرانی تن به خطر داده و آن اژدهای کوه‌مانند را پس از پیکاری جان‌کاه، کشته و جسدش را از مقابل رودخانه به دور انداخته است!

گرچه اسدی توسی (در گرشاسب‌نامه) کشتن این اژدها را به «گرشاسب» نسبت داده، فردوسی در شاهنامه این دل‌آوری را به سام (پدر زال و جد رستم) مربوط دانسته است، و زمانی که زال دستان جوان دل‌باخته رودابه (دختر مهرباب کابلی) شده و سام درصدد برآمد تا شاه ایران (منوچهر) را راضی به وصلت آن جوان کند، معذورانه از دینی که به گردن مردم ایران و توس در کشتن آن اژدهای مزاحم داشته، طی نامه‌ای به منوچهر شاه یاد کرده و گفته است:

به نیروی یزدان گسیبان خدای

برانگیختم پیلتن را ز جای

زدم بر سرش گرز گاوچهر

بر او کوه بارید گفستی سپهر

شکستم سرش چون سر زنده پیل

فرو ریخت ز زهر چون آب نیل

به زخمی چنان شد که دیگر نخواست

ز مغزش زمین گشت با کوه راست

کشف‌رود پر خون و زرداب گشت

زمین جای آرامش و خواب گشت

جهانی بر آن جنگ نظاره بود

که آن اژدها زشت پتیاره بود

مر سام یک زخم از آن خواندند

جهان ز زو گوهر برافشانند

(شاهنامه، تصحیح دکتر خاقانی، دفتر اول، پادشاهی منوچهر، ص ۳۳۳)

گرچه فردوسی در ادامه از انداختن جسد اژدها به دامن آن کوه (که از قضا با روستای پاژ، زادگاه شاعر، فاصله چندانی هم ندارد) چیزی نگفته، مردم چنین باوری داشته‌اند. لذا حدود ۵۰۰ سال بعد از فردوسی، مورخی نامی در عهد شاه‌ارخ تیموری (حافظ ابرو) ذیل معرفی روستاهای بلوک تبادگان مشهد و برزش‌آباد (البته با املا غلط روستاباد در نسخه‌ها) نوشته است: «اژدری که در شاهنامه ذکر می‌کنند که سام بکشت، و حالا دامن کوه بر شکل اژدری افتاده سرخ می‌نماید در قریه روستاباد از این بلوک بوده است» (جغرافیای تاریخی خراسان، تصحیح وهرام، ص ۶۰).

البته اهالی روستای برزش‌آباد حالا بدون تردید (!) کشته‌اند اژدها را حضرت علی^(ع) می‌داند و چاهی را هم نشان می‌دهند که معتقدند خون آن اژدها در آن چاه ریخته است!

دریغ که با وجود چنین پدیده‌ای طبیعی و اساطیری و ذکر سوابق اندر منابع شناخته‌شده‌ای چون شاهنامه، و هم‌جواری آن با زادگاه فردوسی، نیز نزدیکی‌اش به کشف‌رود اساطیری و واقعی (یا به قول مشهدی‌ها دریا!) مردم فرصت طلب و بی‌هویت روزگار ما درصدد تکه‌پاره و سوراخ‌سوراخ کردن این کوه مظلوم‌اند!

در این ۲ سالی که فعالیت معدن اژدرکوه آغاز شده است، میراث فرهنگی هیچ اختطاری به‌ماننداده است. ضمن اینکه طبق قانون میراث، معدن باید محدوده محوطه‌های میراثی و حریم آن را به‌مانند کند تا در سامانه «کاداستر» معدن بنشیند و مواصلات مجوزی برای آن محدوده‌ها صادر نکند.

توضیح

توضیح



خراسانیات

(دورنسیا)

کوه پیلاتوس

سولیس

پیلاتوس، کوهی افسانه‌ای است که اروپایی‌ها معتقدند در قرون وسطی یک اژدها از آسمان فرود آمده و درون این کوه زندگی می‌کرده است. این کوه اکنون یک جاذبه گردشگری است که به قطار با شیب ۴۸ درجه و تله‌کابین مجهز شده است.



اشنبه
۱۸ خرداد ۱۳۹۶
۱۴ ثور ۱۴۴۱ شماره ۳۱۱

تصویرسازی: سیدعلی‌اکبر